

منابع طبیعی موجود در خاورمیانه؛ فرصت یا تهدیدی برای خاورمیانه جدید در تعامل با نظام سلطه

حسین اسماعیل نسب*
علی بابایی مهر**

چکیده

خاورمیانه از دیرباز به دلیل موقعیت خاص ژئوپلتیک و دارا بودن منابع انرژی جهان، مورد توجه بوده است. علت توجه نظام سلطه به این منطقه نیز حفظ امنیت انرژی آینده خود و تضمین بیشتر امنیت اسرائیل در روبرویی با کشورهای اسلامی پس از بیداری اسلامی است. لذا می‌توان به منابع طبیعی موجود در منطقه به عنوان ابزاری قوی در دست کشورهای اسلامی متحول شده خاورمیانه اشاره کرد که برای پیشبرد اهدافشان برای آینده از آنها سود بجویند و در تعامل با نظام سلطه، مانند گذشته مغلوب و متضرر نباشند و تهدیدهایی که این منابع طبیعی در گذشته برای آنها فراهم می‌آورده را به فرصتهایی برای پیشرفت تبدیل کنند. در این پژوهش سعی بر آن است تا با نگاهی اجمالی به سخنان مقام معظم رهبری و فرمایشات ایشان در مورد صیانت از منابع طبیعی توسط کشورهای اسلامی و نقشه‌های غرب برای تسلط مجدد بر منطقه بعد از روی کار آمدن دولت‌های اسلامی جدید، به موضوع پرداخته شود و بر اهمیت منابع طبیعی برای تحت فشار قرار دادن نظام سلطه و غرب تأکید و راه‌کارهایی ارائه شود.

واژگان کلیدی

منابع طبیعی، تعامل با نظام سلطه، فرصت و تهدید، خاورمیانه جدید.

مقدمه

از جمله موارد بسیار مهم و تأثیرگذار بر امنیت ملی و منافع ملی کشورهای خاورمیانه، منابع طبیعی موجود در این

hossein_s_0111@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۵

*. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل.

** . استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۵

کشورها بوده است؛ زیرا امنیت و تحت نظر نظام سلطه بودن این منطقه، عملاً منافع آنها را تأمین و تضمین می‌کرد. این امر در زمان حاضر نیز تا حد زیادی قابل مشاهده است. لذا خاورمیانه از دو جنبه تولید منابع اولیه خام مانند نفت و گاز و مواد معدنی دیگر، از دیرباز در کانون توجه و تعاملات بین‌المللی بوده است، اما این روند بعد از بیداری اسلامی در کشورهای منطقه شکل و ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است و فرصت جدیدی را برای نقش‌آفرینی فعالانه و تعیین‌کننده کشورهای بیدار شده و حکومت‌های متحول شده‌شان فراهم آورده است. این مهم، نظام سلطه را به تلاش واداشته تا منافع خود را در این منطقه بار دیگر تضمین و حتی برای آینده تأمین کنند. در این راستا کشورهای منطقه نیز می‌توانند به دلیل واقع بودن در مرکز ترانزیت منابع طبیعی دنیا، صنعت عظیم رو به رشد آسیای جنوب شرقی و از طرفی اروپا و آمریکا را تحت تأثیر اقدامات هماهنگ خود در پیرامون تحولات ناشی از بیداری اسلامی قرار دهند و مانع از تسلط مجدد نظام غرب و شرق بر منابع طبیعی این منطقه شوند و از این مزیت خود، به عنوان ابزار و اهرم فشار بسیار قوی برای پیشبرد اهداف خودشان در جهان استفاده کنند. در این پژوهش تلاش بر این است بر مبنای موازین حقوق بین‌الملل به بیان این مسئله پرداخته شود.

سؤالات

۱. آیا می‌توان از بیداری اسلامی کشورهای مسلمان منطقه خاورمیانه در تعامل جدید با نظام سلطه استفاده کرد و موجبات تغییر رویکرد سابق را فراهم آورد؟
۲. نقش منابع طبیعی موجود در نظام جدید خاورمیانه و حتی جهان و تغییر رویکرد سابق چگونه خواهد بود؟ آیا از دلایل اصلی توجه نظام سلطه به منطقه وجود منابع سرشار طبیعی است؟
۳. آیا می‌توان با استفاده از منابع طبیعی موجود در منطقه خاورمیانه، نظام سلطه جهانی را به شدت وابسته کرد و موجبات رشد و ترقی پایدار کشورهای منطقه را به وجود آورد؟

فرضیات

۱. به نظر می‌رسد که بسترهای مورد نیاز تغییر رویکرد و تعامل سابق با نظام سلطه، با پدیداری بیداری اسلامی در میان کشورهای منطقه خاورمیانه، به وجود آمده است.
۲. به نظر می‌رسد همچنان از جمله علل اصلی توجه نظام سلطه به منطقه خاورمیانه، وجود منابع طبیعی فراوانش است که با محقق شدن جریان بیداری اسلامی، این منابع می‌تواند به عنوان فرصتی در نقش‌آفرینی و تأمین بیشتر منافع کشورهای منطقه به کار برده شود.
۳. به نظر می‌رسد که با توجه به رو به اتمام بودن ذخایر انرژی در نظام سلطه، می‌توان بیش از پیش نظام سلطه را با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و اقدامات پولی و سیاسی امنیتی متحد، وابسته کرد و از این طریق موجبات رفاه و پیشرفت کشورهای منطقه را فراهم آورد.

اهداف تحقیق

هدف از این پژوهش، آشنایی با میزان تأثیرگذاری نظام سلطه بعد از بیداری اسلامی در منطقه و وضعیت فعلی و آینده پیش روی نظام‌های نوپای خاورمیانه است که می‌تواند حتی آینده جهان را دستخوش تغییرات اساسی کند. لذا در این پژوهش سعی شده است؛ اولاً میزان و چگونگی تعامل کشورهای بیدار شده اسلامی با نظام سلطه مشخص گردد؛ ثانیاً به توانایی‌های منطقه در چگونگی جذب سرمایه‌گذاری خارجی و وابسته کردن نظام سلطه به خود نیز پرداخته شود و ثالثاً راهکارهایی در جهت برقراری تعاملی سازنده و مفید و هوشیارانه با نظام سلطه ارائه گردد تا بتوان بعد از بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی، از منابع طبیعی موجود به عنوان فرصتی سازنده در تعامل با نظام سلطه استفاده کرد و مانع از تهدید شدن منطقه به دلیل داشتن منابع شد.

منابع، روش و ماهیت تحقیق

شیوه کار و استخراج اطلاعات بر اساس شیوه کار کتابخانه‌ای است. لذا در این مطالعه تلاش می‌شود با بررسی چگونگی تحریم‌های اقتصادی و تأثیرات مختلف و جنبه‌های بسیار متنوع آن به گونه‌ای به بررسی زوایای آن به شیوه تحلیلی و توصیفی پرداخته شود.

پیشینه تحقیق

تاکنون مقالات متعددی در زمینه بیداری اسلامی و آثار آن بر کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه تدوین شده و در فضای مجازی اینترنت انتشار یافته است. برخی نیز حتی در مجلات علمی پژوهشی دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، نامه مفید قم و سایر مجلات علمی و پژوهشی به چاپ رسیده‌اند که به جنبه‌های مختلف سیاسی، حقوقی و امنیتی تأثیرات این بیداری اسلامی پرداخته‌اند. همایش‌هایی نیز به صورت پراکنده و حتی در زمینه‌هایی تخصصی در سطح منطقه‌ای برگزار شده‌اند که همایش خاورمیانه جدید دانشگاه پیام نور آمل در اسفند سال ۸۹، به گونه‌ای اولین همایش در راستای محوریت خاورمیانه و تحولات جدید آن بوده است. اما موضوعی که در این پژوهش سعی در بررسی آن داریم به گونه‌ای بررسی سه رویکرد مؤثر اقتصادی، سیاسی و حقوقی در کنار یکدیگر است تا به شیوه‌ای جدید، چگونگی تأثیرپذیری اقتصاد جهان و میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در تعاملی چالشی با اتفاقات کشورهای متحول شده خاورمیانه به عنوان بزرگترین دارندگان منابع طبیعی جهان بررسی کنیم.

علت توجه ویژه نظام سلطه به خاورمیانه

۱. خاورمیانه و علت اهمیت منابع موجود در آن

جغرافیای جهانی منابع طبیعی با نقاط مازاد و کمبود تعریف می‌شود و در این راستا براساس آخرین محاسبات صورت گرفته، موجودی نفت دنیا حدود ۱۲۵۸ میلیارد بشکه است که ۹۵۵ میلیارد بشکه آن به کشورهای

عضو اوپک تعلق دارد. (www.bpenergy.com، ۸۹/۲/۱۷) این در حالی است که از پنج عضو اصلی و دارنده بیشترین ذخایر و مؤسس این سازمان (یعنی ایران، عراق، کویت، عربستان و ونزوئلا)، چهار عضو آن از خاورمیانه هستند که اگر قطر، امارات، لیبی و یمن را نیز بدان اضافه کنیم بیشتر به میزان وجود منابع نفت و گاز در این منطقه و از طرفی چگونگی تأثیرگذاری سازمان اوپک پی می‌بریم. (موسی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۶۳)

افزایش مصرف نفت و انرژی در قرن کنونی، حکایت از افزایش میزان تقاضای انرژی در جهان تا سال ۲۰۲۵ دارد که سهم کشورهای در حال توسعه به ۵۵ درصد می‌رسد. همه این مطالب، بر اهمیت یافتن روزافزون منطقه خاورمیانه تأکید دارند. نقش‌آفرینی این منطقه بعد از بیداری اسلامی می‌تواند به دلیل روی کار آمدن ایدئولوژی اسلامی در حکومت و قوانین داخلی، نمود بیشتری را نیز از خود نشان دهد؛ زیرا تغییر در سطح مدیریت کشوری و ایجاد فرصت‌های جدید تعاملی با کشورهای اسلامی موجود در منطقه که پیش از آن به عنوان رقیب برای یکدیگر تعریف می‌شده‌اند، می‌تواند عامل همبستگی تعریف شود و بیش از پیش نظام سلطه را به تکاپو بیندازد تا منافع خود را به مانند گذشته حفظ کند.

۲. اقدامات نظام سلطه برای تسلط بر این منطقه

نظام سلطه سعی بر آن داشته و دارد تا با تحریم اقتصادی، ایجاد پایگاه‌های نظامی در کشورهای منطقه، فروش گسترده تسلیحات نظامی، ایجاد جنگ‌ها و ائتلافات داخلی و قومی و مذهبی، وعده عضویت در نهادهای بین‌المللی همچون سازمان تجارت جهانی^۱ و حتی اتحادیه اروپا^۲ به کشورهای منطقه و با براندازی حکومت‌های ناهماهنگ با خواسته‌های آنها، بر این منطقه تسلط یابد و از هیچ اقدامی دریغ نکرده است. از این‌رو در این گفتار به دو مورد از مهم‌ترین این اقدامات که طی سال‌های اخیر نمودی بارز پیدا کرده است اشاره می‌شود.

یک. سرمایه‌گذاری خارجی

در ادبیات بین‌المللی عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در مقابل سرمایه‌گذاری پرتفلیو (سرمایه‌گذاری غیر مستقیم) به کار می‌رود و در بخش‌های مختلف نیز جریان می‌یابد. (شیروی، ۱۳۹۰: ۴۴۴) به طور کلی مقصود از سرمایه‌گذاری خارجی چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم، انتقال دارایی‌های مادی و غیر مادی از یک کشور به کشور دیگر به منظور به‌کارگیری آنها در کشور مقصد برای ایجاد ثروت یا توسعه اقتصادی و تولید منابع تحت کنترل کامل یا جزئی صاحب دارایی است و حتی می‌تواند جنبه‌های صرف شدن در بورس و بیمه و غیره را نیز داشته باشد. (خرم‌فرهادی، ۱۳۹۱: ۱۴۸)

نظام سلطه نیز طی سال‌های اخیر با افزایش میزان عرضه و تقاضا و به وجود آمدن رقیب‌های جدی در عرصه مصرف انرژی در جهان با سازوکارهایی دقیق به میزان سرمایه‌گذاری مستقیم و غیر مستقیم خود در

1. WTO (world trade organization).
2. Europe union.

صنایع نفت و گاز خاورمیانه افزوده است تا از طرفی با تولید بیشتر منابع طبیعی و استخراج نفت و گاز از این مناطق، امنیت اقتصادی^۱ خودشان را تضمین کنند و در کنار آن رشد اقتصادی ثابتی را داشته باشند و از طرفی کشورهای خاورمیانه را از لحاظ تکنولوژی تولید و مراحل تولید منابع و کشف و استخراج آن به خود وابسته کنند تا از این طریق بتوانند منافع طولانی مدت خود را نیز با قراردادهای بلند مدت، تضمین کنند. آمارها نیز حکایت از تمرکز یافتن این سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع نفت و گاز کشورهای خاورمیانه دارد.

دو. تحریم اقتصادی

تحریم اقتصادی^۲ به معنای اقدام غیر نظامی است که بر انتقال کالا و یا سرمایه به یک کشور خاص تأثیر نامطلوبی می‌گذارد و هدف از برقراری آن تنبیه یا مجازات و یا وادار ساختن آن کشور به تطبیق خود با هدف‌های سیاسی دولت تحریم کننده است. (علیخانی، ۱۳۸۴: ۳۱) از جمله هدف‌های اصلی تحریم‌های اقتصادی که غالباً به صورت یک‌جانبه و با همکاری کشورهای اروپایی و آمریکایی و خارج از سازمان ملل^۳ صورت می‌گیرد، تمایل به تأثیرگذاری در سیاست‌ها یا حتی تغییر نظام یک کشور به علت سیاست‌ها و اقداماتش است.

تاکنون کشورهای متعددی در خاورمیانه همچون ایران، سوریه، لیبی و عراق از سوی نهادهای بین‌المللی همچون اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد به صورتی هدفدار و با همکاری و برنامه‌ریزی نظام سلطه برای دستیابی به منابع طبیعی این منطقه و تحت فشار قراردادن این کشورها برای پیشبرد اهدافشان مورد تحریم‌های سخت واقع شده‌اند. در این بین نباید فراموش کرد که غالب کشورهای تحریم شده در منطقه از جمله کشورهای مهم نفت و گاز خیز و دارنده منابع عظیم طبیعی هستند و همین امر مشخص می‌کند که اهداف واقعی از تحریم‌ها چیست. (حسن تبار، ۱۳۸۸: ۲۲) لذا می‌توان این گونه اظهار داشت که هدف تحریم‌کنندگان، تبدیل شدن اقتصاد کشور هدف، به اقتصادی دولتی و ضعیف شدن آن کشور و افزایش موج نارضایتی مردمی در درون آن کشور است تا به اهداف خود برسند. در صورت ادامه روند و مدت تحریم، اقتصاد کشور تحریم شده تبدیل به اقتصادی دولتی می‌گردد که بدترین نوع اداره کشور است. نمود کامل و مثال بارز دولتی بودن اقتصاد را می‌توان در ایران قبل از انقلاب مشاهده کرد.

۳. جایگاه منابع طبیعی در عصر گفتمان ژئواکونومیک

بعد از پایان جنگ سرد،^۴ کشورهای قدرتمند به جای توجه محض ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک، به ژئواکونومیک روی آوردند و همواره سعی می‌کنند به مناطق حساس جهان به جای توجهات سیاسی و نظامی، نگرش سیاسی و اقتصادی داشته باشند. لذا انرژی و منابع طبیعی، به عنوان روح ژئواکونومیک در تعیین

1. Economic Security.

2. Bycott.

۳. تحریم‌های سازمان ملل در غالب فصل هفت منشور سازمان ملل متحد وضع می‌شود.

۴. سال ۱۹۹۲.

امنیت و ایجاد کشمکش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش‌آفرینی می‌کند. در اوج این رقابت، منطقه خاورمیانه است که با دارا بودن ذخایر عظیمش^۱ در آینده جهان و گفتمان ژئواکونومیکی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. خاورمیانه و منابع طبیعی‌اش به دو دلیل در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دارد:

۱. موقعیت ژئوپلیتیک فوق‌العاده و قرارگرفتن در کانون بیضی انرژی جهان و رابط سه قاره جهان؛

۲. نقش حیاتی‌اش در تأمین انرژی آینده جهان؛

در جهان کنونی که امنیت ملی کشورها با تأمین انرژی گره خورده است، حفظ و پاسداری از این موقعیت ویژه برای منطقه بسیار حائز اهمیت است و داشتن نقش اساسی در تأمین انرژی جهان که ضامن درآمدهای کافی برای توسعه کشورهای منطقه و سوق دادن آنها به سمت همکاری متقابل باشد، امنیت کشورهای خاورمیانه را بیشتر تضمین خواهد کرد و به تبع آن نظام سلطه را با شکست روبه‌رو و وابسته‌تر می‌کند. همین امر است که نظام سلطه را بر آن داشته تا مانع از فراگیرتر شدن این انقلاب‌ها به کشورهای دیگر دارنده منابع طبیعی در منطقه و حتی خارج از منطقه شود.

۴. خاورمیانه و ژئوپلیتیک لوله‌های نفت و گاز

در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی کلاسیک، تسلط بر مهم‌ترین منابع طبیعی، تسلط بر جهان شمرده می‌شد، اما این موضوع در عصر حاضر در مورد خطوط انتقال انرژی صادق است که می‌تواند مسیرهای مختلفی داشته باشد. در حقیقت ساخت یک خط لوله برای کشور ترانزیت با برخی فواید اقتصادی و سیاسی همراه است:

۱. سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد شغل؛ ۲. وسیله‌ای برای نفوذ بر جریان نفت و گاز؛ ۳. دسترسی به نفت و

گاز برای نیازهای داخلی در راستای امنیت انرژی؛ ۴. گرفتن دستمزد ترانزیت قابل توجه. (اطاعت، ۱۳۸۸: ۹)

موقعیت بی‌نظیر ژئوپلیتیکی کشورهای خاورمیانه، این امکان را می‌دهد که به مرکز تجارت و توزیع منابع جهان تبدیل شوند و در این بین نقش چند کشور حائز اهمیت است؛ ایران که محور شمال و جنوب و محور شرق و غرب را به هم وصل می‌کند و از طرفی بر تنگه هرمز تسلط دارد؛ سوریه که می‌تواند دروازه فروش مواد نفتی در پایانه‌های دریای مدیترانه باشد و منابع طبیعی کشورهای خاورمیانه را به نظام سلطه که خواستار دسترسی ارزان‌تر و آسان‌تر به مواد نفت و گازی هستند، فراهم آورد؛ مصر که بر کانال سوئز تسلط دارد و گاز تولیدی خود را به اسرائیل صادر می‌کند و می‌تواند این رژیم را تحت فشار قرار دهد. تأثیرات امنیتی و ژئوپلیتیکی عبور لوله‌های نفت و گاز از مسیر خود به بهبود روابط سیاسی - تجاری تمامی کشورهای خاورمیانه در تعاملات جدیدشان بعد از بیداری اسلامی، کاهش انزوای سیاسی، تعدیل فشارهای سیاسی و اقتصادی نظام سلطه و افزایش قدرت چانه‌زنی این کشورها در صحنه بین‌المللی و افزایش نقش‌آفرینی آنها منجر خواهد شد. (شادلو، ۱۳۸۵: ۱۱۹)

۱. بسیاری از کارشناسان و سایت‌های خبری در میزان دقیق این میزان اغراق کرده و آمارهای دقیقی ارائه نمی‌کنند. اما به طور کلی و حداقل می‌توان گفت بیش از ۶۰ درصد ذخایر کشف شده نفت و گاز جهان در منطقه خاورمیانه است.

۵. رابطه منابع طبیعی و سیاست خارجی نظام سلطه در تعامل با خاورمیانه جدید

رابطه کاملاً مستقیمی میان امنیت ملی کشورهای خاورمیانه با میزان منابع طبیعی آنها و از طرفی قیمت‌های جهانی نفت و گاز وجود دارد؛ زیرا هرچه قیمت نفت و گاز در بازارهای جهانی افزایش یابد، به دلیل تأثیرپذیری کشورهای این منطقه از تورم و رکود جهانی و تک محصولی بودن این کشورها، سود چندانی عایدشان نمی‌شود و عملاً مغلوب تعاملاتشان با نظام سلطه می‌شوند. به همین دلیل است که باید طرحی نو براندازند و بیداری اسلامی بهترین زمان است تا در سطح کلی شرایط خارج شدن از این بن‌بست را که همواره دربردارنده سود و منافع مقطعی، همراه با وابستگی بیشتر به نظام سلطه بوده است را از بین ببرند و موجبات قطع وابستگی به درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی را فراهم آورند؛ همان نکته‌ای که همواره مقام معظم رهبری در نشست‌ها و توصیه‌های خود به مسئولان کشور، آن را مورد تأکید قرار می‌دهند و بر لزوم خارج شدن از وابستگی به درآمدهای نفتی تأکید می‌ورزند.^۱ از همین روست که نظام سلطه غرب با رویکردی جدید در سیاست خارجی‌اش سعی در عرضه مدل‌های جدید پیشرفت برای کشورهای تازه مستقل شده و بیدار شده اسلامی دارد تا نه تنها آنها را مانند وضعیت گذشته نگه دارند بلکه امنیت خود را تداوم بخشند.

چگونگی نقش‌آفرینی خاورمیانه جدید با استفاده از منابع طبیعی خود در تعامل با نظام سلطه

۱. تحولات مصرف انرژی در جهان و نقش منابع طبیعی خاورمیانه

برآوردها حاکی از آن است که تقاضا برای نفت در کشورهای در حال توسعه (به خصوص کشورهای آسیایی) سه برابر سریع‌تر از کشورهای توسعه‌یافته است و انتظار می‌رود از ۴۳ درصد کل مصرف جهانی انرژی تا سال ۲۰۲۰ به ۵۵ درصد افزایش یابد. انتظارات نیز بر این است تا میزان تقاضای جهانی برای نفت از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ به ۵۵ درصد افزایش یابد. (www.esnips.com، ۱۳۸۹/۱/۲۰) از این‌رو، میزان تقاضای جهانی برای نفت از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ افزایش خواهد یافت که بیشترین رشد طی این دوره به ترتیب مربوط به کشور چین، هند، روسیه، آمریکای شمالی و کشورهای اروپایی و پاسیفیک خواهد بود. این امر در حالی است که ذخایر نفت و گاز جهان رو به اتمام است و تا سال ۲۰۲۰ ذخایر اعلام شده بسیاری از کشورهای نفت‌خیز جهان مطابق جدول زیر تمام می‌شود.

منطقه	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	میانگین رشد سالانه (درصد)
کشورهای توسعه یافته	۴۷/۷	۵۰/۱	۵۲/۲	۵۴/۶	۱
آمریکای شمالی	۲۷/۲	۲۹/۲	۳۱/۱	۳۲/۹	۱/۴
اروپای غربی	۱۴/۱	۱۴/۳	۱۴/۴	۱۴/۹	۰/۳

۱. مقام معظم رهبری در بیانات متعددی از سال ۱۳۷۶ تاکنون در خطاب به مسئولان اجرایی و رؤسای جمهور وقت بر لزوم انجام این مهم تأکید ورزیده‌اند که آخرین توصیه و تأکیدات ایشان، در سخنرانی ۱۳۹۲/۱/۱ در آستان مقدس رضوی بوده است.

منطقه	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	میانگین رشد سالانه (درصد)
ژاپن	۵/۳	۵/۴	۵/۴	۵/۳	۰
کشورهای در حال گذار	۶/۳	۶/۷	۷/۲	۷/۶	۱/۴
اتحاد شوروی سابق	۴/۷	۴/۹	۵/۲	۵/۵	۱/۳
اروپای شرقی	۱/۶	۱/۸	۱/۹	۲/۱	۱/۷
کشورهای در حال توسعه	۴۰/۶	۴۶/۳	۵۱/۶	۵۷	۳
چین	۹/۲	۱۰/۷	۱۲/۳	۱۴/۲	۴/۵
هند	۳/۱	۳/۷	۴/۲	۴/۹	۳/۵
سایر آسیا	۷/۹	۹/۲	۱۰/۴	۱۱/۶	۳/۲
خاورمیانه	۷/۳	۸	۸/۶	۹/۲	۲/۷
آفریقا	۳/۷	۴/۳	۴/۶	۴/۹	۲/۷
آمریکای جنوبی و مرکزی	۶/۸	۷/۸	۸/۵	۹/۳	۲/۵
کل جهان	۹۴/۶	۱۰۳/۲	۱۱۱	۱۱۹/۲	۱/۹

نام کشور	میزان ذخایر نفت خام به میلیارد بشکه	تولید نفت خام در روز به میلیون بشکه	تاریخ اتمام ذخایر نفت خام
انگلستان	۳/۴	۲/۵	۲۰۱۶
نروژ	۷/۵	۲ / ۱	۲۰۱۸
آرژانتین	۲/۶	٪ ۸	۲۰۱۹
اندونزی	۳/۷	٪ ۹.۶	۲۰۱۹
مکزیک	۱۱/۹	۲/۵	۲۰۱۹
چین	۱۵/۵	۵/۳	۲۰۲۰
آمریکا	۳۰/۵	۹/۲	۲۰۲۱

نام کشور	تاریخ اتمام ذخایر نفت خام با تولید نسبی کنونی
ایران	۲۰۹۵
عربستان	۲۰۷۵
روسیه	۲۰۳۰
کویت	۲۰۱۸
مصر	۲۰۲۵
عمان	۲۰۲۹

این نکته حائز اهمیت است که برای تأمین حجم بالا و رو به فزونی تقاضای کشورها برای انرژی و به‌ویژه نفت و گاز، اهمیت راهبردی منطقه خاورمیانه طی دو دهه آینده افزایش چشم‌گیری خواهد یافت؛ به گونه‌ای که در صورت همکاری و هماهنگی بین کشورهای منطقه، می‌توان نظام سلطه را به راحتی تحت تأثیر قرارداد و زمینه‌های به وجود آمدن فرصت‌های تازه‌ای برای پیشرفت و توسعه پایدار در منطقه را فراهم کرد. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که هم‌اکنون سه کشور ترکیه، ایران و عربستان، در جمع بیست کشور برتر اقتصادی دنیا قرار دارند و وجود تعاملات اقتصادی و سیاسی میان این سه کشور حساس و دارای پتانسیل‌های قوی موجود در منطقه، می‌تواند حتی آنها را تا رتبه ده کشور برتر نیز پیش ببرد. (ابرار اقتصادی، ۱۳۹۱)

در این بین، جایگاه ایران بسیار بهتر و با قابلیت بالایی برای ارتقای جایگاهش، از طریق متکی نبودن به صادرات منابع خام اولیه است؛ زیرا ایران به لحاظ تنوع مواد معدنی جزو ده کشور برتر دنیاست و هم‌اکنون میزان ذخایر معدنی ایران بیش از ۵۷ میلیارد تن برآورد شده و قابلیت بسیار بالایی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در دیگر بخش‌ها را به جز صنایع نفت و گاز دارد. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۱) این امر نیز بسیار مسلم است که پیشرفت کشوری در منطقه، در درازمدت با پیشرفت کل کشورهای همسایه ملازمه خواهد داشت و این امر برای منطقه خاورمیانه بسیار مفید خواهد بود.

۲. چگونگی کاهش وابستگی کشورهای خاورمیانه به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی و استفاده از آن به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهدافشان

امنیت خاورمیانه از دیرباز همواره با منابع طبیعی‌اش ارتباط مستقیم داشته و مسئله نفت و منابع طبیعی، همیشه بخشی از دیدگاه سیاست‌مداران را در نگاه به این منطقه، تشکیل می‌داده است. این مسئله زمانی صحت بیشتری می‌یابد که بدانیم درآمد ارزی و عامل اصلی ارتباط کشورهای منطقه همچون عربستان، ایران، عراق، کویت، قطر، عمان، بحرین با دنیا، عمدتاً از طریق منابع طبیعی‌شان است، نه عامل خاص دیگری. رهبر انقلاب نیز در بیانات و سخنرانی‌های خود بارها بر این موضوع تأکید داشتند که باید روزی در چاه‌های نفت را بست و از آن فقط به عنوان ابزاری برای فشار بر غرب استفاده کرد و باید زمینه‌های قطع وابستگی را فراهم کرد. (روزنامه شرق، ۱۳۹۱)

با توجه به تحولات صورت گرفته در منطقه، نه تنها این بیانات قابل اعمال در ایران، بلکه در کل خاورمیانه جدید خواهد بود. همین مسئله موجبات آشفتنی نظام سلطه را فراهم آورده است. به وجود آمدن همین هراس و آشفتنی نیز طی این مدت، منجر به به‌وجود آمدن نوعی رقابت در اعطای امتیازات ویژه به کشورهای خاورمیانه شده که تاکنون سابقه نداشته است. بنابراین، می‌توان با ایجاد هماهنگی میان کشورهای منطقه، از منابع طبیعی موجود به عنوان ابزاری برای پیشبرد تمام خواسته‌های دیگر کشورهای منطقه و حتی رونق بخشیدن به سایر صنایع تولیدی مادر در منطقه استفاده کرد.

نظام سلطه سعی در سرمایه‌گذاری گسترده در صنایع مهم و مورد نیاز آینده خویش در منطقه دارد و حال که این وابستگی از سوی غرب و نظام سلطه دیده می‌شود، می‌توان با سوق دادن این سرمایه‌گذاری‌های خارجی به سمت سایر صنایع به غیر از صنایع نفت و گاز، رشدی پایدار را فراهم کرد و عملاً شاهد کمتر شدن وابستگی شد. (روزنامه ایران، ۱۳۹۱) این مسئله نیازمند یک هم‌اندیشی و اتحاد بین کشورهای بیدار شده اسلامی است که می‌توان این ناهماهنگی را در تحریم اقتصادی ایران توسط غرب و رفتارهای منفعلانه عربستان، امارات و قطر به سادگی مشاهده کرد. این کشورها با افزایش میزان تولید نفت خام خود نه تنها سقف ۳۰ میلیون بشکه‌ای اوپک را رعایت نکردند (روزنامه ایران، ۱۳۹۱) بلکه کاملاً در هماهنگی با غرب، در جهت جبران کمبود نفت تحریم شده ایران، نقش اصلی ایفاء کردند.^۱ جدول زیر حاکی از این امر است. (روزنامه شرق، ۱۳۹۱)

کشور	۲۰۱۱	سه ماهه دوم ۲۰۱۲	آوریل ۲۰۱۲	می ۲۰۱۲	ژوئن ۲۰۱۲	درصد رشد ژوئن / می
الجزایر	۱/۲۴۰	۱/۲۰۷	۱/۲۱۷	۱/۲۰۲	۱/۲۰۴	۲/۵
آنگولا	۱/۶۶۴	۱/۷۴۰	۱/۷۶۹	۱/۷۴۵	۱/۷۰۴	-۴۱/۱
اکوادور	۴۹۰	۴۹۱	۴۹۲	۴۹۴	۴۸۸	-۵/۸
ایران	۳/۶۲۱	۳/۱۰۳	۳/۱۹۳	۳/۱۵۲	۲/۹۶۳	-۱۸۸/۵
عراق	۲/۶۶۵	۲/۹۶۴	۲/۹۸۸	۲/۹۲۲	۲/۹۸۴	۶۲/۸
عربستان	۹/۲۶۸	۹/۸۹۱	۹/۹۱۰	۹/۸۷۵	۹/۸۸۸	۱۴/۵
لیبی	۴۶۲	۱/۴۳۶	۱/۴۰۳	۱/۴۳۸	۱/۴۶۷	۳۰/۰
کویت	۲/۵۳۸	۲/۷۹۳	۲/۷۸۶	۲/۸۰۳	۲/۷۹۰	-۱۲/۵
نیجریه	۲/۱۱۱	۱۵۹/۲	۲/۱۵۵	۲/۱۴۷	۲/۱۷۷	۲۹/۹
ونزوئلا	۲/۳۸۰	۲/۳۶۶	۲/۳۷۰	۲/۳۶۳	۲/۳۶۴	۱/۸
الجزایر	۱/۲۴۰	۱/۲۰۷	۱/۲۱۷	۱/۲۰۲	۱/۲۰۴	۲/۵
مجموع تولید اوپک	۲۹/۷۵۰	۳۱/۴۸۴	۳۱/۶۱۹	۳۱/۴۶۹	۳۱/۳۶۳	-۱۰۵/۹

۳. چگونگی تضعیف اوپک در اثر تحریم شدن کشورهای عضو توسط غرب

مسئله نفت یکی از عوامل بسیار مهم در حوادث جنگ داخلی و حمله ناتو به لیبی محسوب می‌شده است. نظام سلطه تلاش کرد تا با برنامه‌ریزی دراز مدت، بتواند تسلط خود را بر این کشور تولید کننده نفت و از طرفی عضو اوپک حفظ کند. به دنبال آغاز شدن^۱ تحریم‌های جدید نفتی و گازی و حتی تجارت طلا و بانک

۱. روزنامه شرق، شماره ۱۵۵۴، ۲۷ خرداد ۱۳۹۱.

۱. دور جدید تحریم‌ها از ۱۱ تیر ۱۳۹۱ شروع شده است.

مرکزی از سوی غرب بر علیه ایران نیز رویترز در گزارشی خبر داد که به نظر می‌رسد علی‌رغم تحریم نفت ایران از سوی اروپا، جهان در تابستان آینده دارای نفت بیشتری باشد و هرچند کشورها و پالایشگاه‌های اروپایی باید به دلیل جایگزینی نفت ایران هزینه‌هایی را بپردازند اما این کار علی‌رغم مشکلاتش، عملی است. (روزنامه شرق، ۱۳۹۰)

مشاهده می‌شود که چگونه بار دیگر اوپک ضربه‌ای سخت از بی‌هماهنگی اعضایش خورد. نتیجه نهایی تضعیف اوپک این خواهد بود که عرضه نفت ابتدا به بازارهای آسیایی و پس از آن به کل بازار جهانی افزایش می‌یابد و در نتیجه، قیمت نفت کاهش خواهد یافت. چنین انتظاراتی باعث شده است پایه‌های همکاری بین اعضای اوپک به دلیل تفاوت دیدگاه‌ها و جانبداری از منافع خودشان، رو به ضعف برود و زمینه‌های ناکارآمدی آن در حل و خنثی‌سازی بسیاری از معضلاتی چون تحریم اعضا، نه براساس منشور سازمان ملل که الزامی است، بلکه حتی با وجود قوانین تحریمی داخلی کشورهایی مانند آمریکا به وضوح دیده شود. ادامه این روند به شدت به ضرر کشورهای اوپک که غالباً از منطقه خاورمیانه نیز هستند، خواهد بود و ادامه این روند زمینه‌ساز تهدید بیش از پیش اوپک توسط خود کشورهای عضو آن با حمایت نظام سلطه خواهد شد. این همان هدفی است که نظام سلطه همواره به دنبال آن بوده است. لذا با روی کار آمدن دولت‌های جدید در سطح منطقه بعد از بیداری اسلامی، می‌توان امیدوار بود تا با افزایش یافتن میزان سطح همکاری‌های سیاسی و اقتصادی میان کشورهای منطقه در قالب سازمان‌های موجود منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچون عدم تعهد، رویکرد سیاسی و منفعت‌طلبانه برخی کشورهای منطقه کمتر شود و نوع دیدگاه به منابع طبیعی موجود تغییر یابد و هماهنگی بیشتری در میزان عرضه و فروش ایجاد شود تا نه تنها منافع کشورهای دیگر حفظ شود، بلکه زمینه‌های استفاده از این منابع به عنوان فرصتی در تعاملات جدید با نظام سلطه مهیا شود.

۴. خاورمیانه و قابلیت‌های آن در جذب سرمایه‌گذاری خارجی

عملکرد خاورمیانه از نقطه نظر جذب سرمایه‌گذاری خارجی^۱ نسبتاً مطلوب بوده است؛ البته باید به پتانسیل‌های بسیار خوب کشورهای منطقه در زمینه نفت و گاز، پتروشیمی، خدماتی، آموزشی، توریستی و غیره نیز اشاره کرد. بر اساس یافته‌های تحقیقاتی به راحتی می‌توان فهمید که سرمایه‌گذاری خارجی امکانات و مزیت‌هایی دارد که سرمایه‌گذاری داخلی از آن بی‌بهره است؛ زیرا سرمایه‌گذار خارجی از مزیت‌های رقابتی خود بهره می‌برد که عبارتند از:^۱

یک. اطلاعات

سرمایه‌گذار خارجی اطلاعات به مراتب بیشتری در مورد بازارها، قیمت عوامل تولید، قیمت کالاها و خدمات،

1. Foreign Direct investment.

۱. مبصر، ۱۳۸۱: ۱۸.

بازاریابی مؤثر و غیره در سطوح بین‌المللی دارد. حال آنکه برای سرمایه‌گذار داخلی این اطلاعات عمدتاً محدود به محیط داخلی کشور است.

دو. افزایش مهارت و ایجاد زمینه‌های تولید انبوه

سرمایه‌گذار خارجی توان بالایی برای تولید دارد و مهارت کشورهای خاورمیانه را ترقی می‌بخشد و قادر است با سطوح بالای سرمایه‌ای که در اختیار دارد از طریق تولید انبوه، هزینه‌ها را به سطوح بسیار پایینی تقلیل دهد.

سه. تکنولوژی برتر و منابع مالی

تکنولوژی به کار گرفته شده توسط سرمایه‌گذاری خارجی، غالباً انحصاری و به روز است. هزینه‌های بالا تحقیق و توسعه، قابلیت‌های بالایی را برای سرمایه‌گذار خارجی فراهم می‌سازد که سرمایه‌گذار داخلی از آن بی‌بهره است. بنابراین، افزایش میزان جذب سرمایه‌گذاری‌های درست و برنامه‌ریزی شده خارجی، از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌توان در جریان بیداری اسلامی و به خصوص در تعامل با نظام سلطه از آن به عنوان ابزاری برای پیشرفت و از طرفی وابسته کردن نظام غرب و شرق استفاده کرد.

می‌توان با طرحی جدید و با به‌کارگیری اصولی مشترک، تهدیدات گذشته را که در منطقه به دلیل وجود منابع طبیعی وجود داشته و باعث ناامنی و جنگ و تغییر حکومت‌ها و حتی روی کار آمدن حکومت‌های مستبد تحت حمایت غرب بوده را به فرصت‌هایی برای پیشرفت تبدیل کرد. در نتیجه، نوع نگاه نظام سلطه نیز نسبت به خاورمیانه تغییر می‌کند و به قابلیت‌های دیگر خاورمیانه همچون منابع انسانی کارآمد و آموزش‌دیده و قابلیت‌های صنعتی و گردشگری آن نیز به جای دیدگاه سنتی دارنده منابع طبیعی خام پی خواهد برد.

۵. اقدامات متقابل کشورهای خاورمیانه در تعاملات جدیدشان با اقدامات نظام سلطه

ایران همواره کوشیده است تا موجبات صلح و ثبات را در منطقه فراهم آورد و از همین رو تاکنون با حمایت از سوریه و لبنان و فلسطین در صحنه‌های بین‌المللی مانع از دخالت سازمان‌های بین‌المللی در امور داخلی کشورهای منطقه با توجه به نص صریح منشور سازمان ملل شده است. (منشور سازمان ملل متحد، بند ۷ ماده ۲) اما از مهم‌ترین اقدامات متقابل ایران که آمریکا را به تکاپو و در دراز مدت با بحران مواجه می‌کند، استفاده ایران از تحریم «پترو دلار» و ترویج آن در خاورمیانه و مبادلات درون منطقه در غالب سازمان‌های اکو و حتی اوپک است. سیستم پترو دلار در سال ۱۹۷۵ شکل گرفت؛ در آن سال، نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا از عربستان خواست تا نفت خود را به دلار بفروشد و متعاقب این حرکت، دیگر کشورهای عضو اوپک هم به فروش نفت خود به دلار پرداختند و در مدت کوتاهی تقاضا برای دلار افزایش یافت و کشورهایی نیز به استقراض دلار از آمریکا پرداختند.

اینک ایران با پیشنهادهای مکرر خود می‌خواهد با چین، روسیه، ژاپن، هند و ترکیه با ارزش‌های خود آنان معامله نفتی و تجاری انجام دهد. حتی ایران در اجلاس ۲۰۱۲ پیمان شانگهای نیز به کشورهای عضو این

پیمان که حجم عظیمی از تجارت بین‌المللی و بیش از یک سوم جمعیت جهان را در خود دارند، پیشنهاد داد کشورهای عضو این پیمان در معاملات تجاریشان از ارزی مشترک مانند یورو استفاده کنند. این پیشنهاد، با برنامه‌ریزی خاص و پشتیبانی بسیاری از کشورها بار دیگر در اجلاس عدم تعهد که در تهران برگزار شد مطرح گردید.^۱ اگر این اتفاق رخ دهد و کشورهای دیگر هم به این سمت متمایل شوند، جنگ ارزی جدیدی علیه دلار شکل خواهد گرفت که ایران و خاورمیانه به دلیل قرار گرفتن در بطن این اقدامات و تأثیرگذار بودن در آن، نقش بسیار سازنده‌ای خواهند داشت. (www.tabnaknews.com، ۹۱/۱/۸) آنها می‌توانند منافع خود را در تعاملات جدیدشان پس از بیداری اسلامی، به صورتی جدی تضمین کنند.

مسئله دیگری که می‌تواند در تعاملات کشورهای بیدار شده خاورمیانه با نظام سلطه مورد توجه قرار بگیرد تا بتوانند اقتصاد خود را پویاتر و با برنامه‌ریزی بهتری بسازند، انجام معاملات بین‌المللی آنها با طلا است. این اتفاق به پائین آمدن شدید قیمت جهانی دلار و یورو و بالا رفتن قیمت طلا منجر خواهد شد. روی آوردن کشورهای خاورمیانه به این کار، مسئله‌ای است که نظام سلطه نمی‌تواند آن را تحمل کند و برای آن به جنگ هم متوسل خواهد شد؛ مانند سال ۲۰۰۳ که عراق نفت خود را با یورو معامله می‌کرد و بلافاصله با حمله آمریکا مواجه شد تا هم نفت این کشور را در اختیار بگیرد و هم مانع از گسترش این عمل در جهان شود. سؤال اینجاست که آیا این اقدام تلافی‌جویانه و ضربه‌زننده به ارزهای جهانی مانند یورو و به خصوص دلار می‌تواند سیستم پترو دلار را از بین ببرد؟

با ادامه این اقدام از سوی ایران و حمایت سایر کشورهای خاورمیانه، حتی در سطح محدود و با حجم کم تجارت بین‌المللی، احتمال حمله و شدت گرفتن تحریم‌ها نسبت به کشورهای منطقه بیشتر می‌شود. در صورت بروز چنین شرایطی نیز می‌توان با افزایش سطح همکاری منطقه‌ای با کشورهای مهم و تأثیرگذار منطقه و به‌ویژه چهار کشور مهم و استراتژیک، یعنی ترکیه، پاکستان، عربستان و ایران، مانع از حمله مجدد به منطقه شد. به عبارت دیگر می‌توان با ایجاد این اتحاد، احتمال حمله نظامی غرب یا تحریم‌هایی مطابق با ماده ۳۹ منشور سازمان ملل و عملی شدن آن تحریم‌ها مطابق با ماده ۴۲ منشور را کاهش داد؛ بدون اینکه این کشورها زورگویی و سلطه غرب و نظام سلطه را بپذیرند و در نتیجه مورد انتقاد داخلی و جهانی نیز قرار نگیرند. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۳: ۳۰۸)

این مسائل در حالی است که آمارهای بانک جهانی حاکی از هشدارهای پیاپی این نهاد اقتصادی بین‌المللی، به گروه ۲۰ است تا نسبت به بدهی‌های خود اقدام جدی انجام دهند (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۱) آمارهای منتشر شده از سوی نهادهای بین‌المللی در خصوص میزان ذخایر رو به اتمام نفت در جهان و کشورهای بزرگ مصرف‌کننده را بیش از پیش نسبت به منافع ملی کشورهای خاورمیانه وابسته‌تر و حساس‌تر کرده

۱. این اجلاس از ۷ تا ۱۱ شهریور ۱۳۹۱ در تهران برگزار شد و ایران ریاست ۳ ساله این سازمان مهم بین‌المللی را به‌دست گرفت.

است. بنابراین، می‌توان در این شرایط بهترین امتیازات را از نظام سلطه که همواره به دنبال برتری و استفاده از منطقه برای منافع خودش بوده است گرفت و مانع از تسلط مجددش بر کشورهای بیدار شده اسلامی شد و عملاً از فرصت‌ها و منابع موجود در منطقه به بهترین شیوه و به عنوان فرصتی که در گذشته همواره به عنوان تهدیدی برای منطقه بوده استفاده کرد؛ زیرا در زمان حاضر نظام سلطه بیش از هر زمان دیگری برای برون‌رفت از بحران اقتصادی خود و ایجاد رشد اقتصادی ثابت به منابع طبیعی خاورمیانه و سوخت ارزان نیاز دارد. در این راستا می‌توان به نقش سازنده مصر اشاره کرد که از زمان شروع شدن انقلاب در این کشور تاکنون بارها خط انتقال لوله گاز این کشور به اسرائیل به آتش کشیده شده است. دولت جدید مصر می‌تواند قرارداد فروش گاز خود به اسرائیل را به صورت یک‌جانبه مطابق کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات با اعلام ۱۲ ماه قبل از قطع کامل صادرات گاز، فسخ کند و دیگر گازی به این کشور صادر نکند. (کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، بند ۲ ماده ۵۶) همچنین می‌تواند با استناد به تغییر بنیادین اوضاع و احوال که انقلاب نیز از مصادیق بارز آن می‌باشد، قرارداد صادرات گاز به اسرائیل را فسخ کند و چرخه اتحاد بین کشورهای بیدار شده منطقه از لیبی و تونس تا درون خاورمیانه را تداعی عینی ببخشد تا نه تنها خودش از منابع طبیعی کشورش به عنوان فرصتی در محدود کردن میزان تجاوزات اسرائیل و تحرکاتش در منطقه استفاده کند، بلکه موجبات واکنش‌های نظام سلطه و متحدان غربی آن را نیز فراهم آورد و با تسلط خود بر کانال سوئز باعث تغییر نظام حقوقی و سیاسی بین‌المللی و همچنین تأثیرگذاری بر سایر نهادهای بین‌المللی، مانند سازمان ملل شود.

نتیجه

با توجه به روی کارآمدن حکومت‌های مردمی و اسلامی در کشورهای منطقه، می‌توان با افزایش سطح همکاری‌های اقتصادی و سیاسی میان کشورهای منطقه از منابع طبیعی آن که در گذشته به عنوان تهدیدی برای تن دادن به خواسته‌های نظام صنعتی و پیشرفته محسوب می‌شد و موجب بروز آشوب و جنگ و حتی روی کار آمدن حاکمان مستبد به منظور پیشبرد اهداف نظام سلطه بود، در جهت منافع منطقه استفاده کرد و موجبات استقلال بیشتر کشورهای این منطقه را فراهم آورد؛ زیرا نه تنها نظام سلطه در حال حاضر در یکپارچگی و قدرت اقتصادی و سیاسی گذشته خود به سر نمی‌برد، بلکه می‌توان با ادامه روند همکاری‌ها بین کشورهای منطقه در غالب همکاری‌های دو یا چند جانبه سیاسی و اقتصادی و نظامی، شاهد دگرگونی‌های اساسی دیگری نیز در منطقه و حتی در جهان بود. این امر با داشتن برنامه‌ریزی منظم و افزایش سطح همکاری‌های منطقه و بین‌المللی کشورهای منطقه میسر خواهد شد.

در این راستا می‌توان از سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که کشورهای خاورمیانه در آن عضویت دارند و از طرفی کشورهای مهم منطقه مانند عربستان، ترکیه، مصر، پاکستان و ایران که دارای بیشترین نفوذ سیاسی و حتی اقتصادی و دارنده منابع طبیعی عظیمی نیز هستند، کمال بهره را برد.

از جمله مهم‌ترین این سازمان‌ها در جهت افزایش سطح همکاری‌ها و نزدیک کردن دیدگاه‌های کشورهای خاورمیانه، جنبش عدم تعهد است که نمایش قدرت بسیار امیدوارکننده‌ای در کنفرانس سال ۲۰۱۲ تهران داشت و امید می‌رود در مدت ریاست ۳ ساله ایران بر این سازمان، از کشورهای بیدار شده خاورمیانه و سایر ملت‌های آزاد جهان در پرتو قوانین و اصول حقوق بین‌الملل دفاع کافی به عمل آورد و زمینه‌های تحولی جدید در کنترل جمعی مدیریت جهان را موجب شود. همچنین با شناسایی و تأکید بر حقوقی مانند حق استفاده از ارزهای متفاوت در مبادلات جهانی و حق استفاده از انرژی اتمی و حق تعیین سرنوشت کشورها (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱، بند ۱ و ۲) بر مردمانشان، دست آوردهای نو و جدیدی را برای کشورهای خاورمیانه با توجه به ذخایر عظیم و منابع طبیعی فراوانش به ارمغان آورد و آنها را از تک محصولی بودن خارج کند و از وابستگی حکومت‌هایشان به نظام سلطه بکاهد. در مقابل با جذب درست و حساب‌شده سرمایه‌گذاری‌های خارجی و افزایش حجم مناسبات بین کشورهای منطقه، نظام سلطه را بیشتر به خود وابسته و در فرایندی منظم به استقلال اقتصادی و سیاسی بیشتری برسد.

در پایان پیشنهاداتی نیز برای استفاده بهتر از منابع طبیعی خاورمیانه بدین شرح ارائه می‌شود:

۱. افزایش سطح همکاری درون منطقه‌ای و حل کردن اختلافات بین خود به گونه‌ای مؤثر و تلاش در جهت افزایش مبادلات تجاری درون منطقه‌ای؛
۲. جهت‌دهی و سوق دادن سرمایه‌گذاری‌های خارجی به سوی صنایع دیگری غیر از نفت و گاز، برای خارج شدن از اقتصاد تک محصولی و آسیب پذیر بودن؛
۳. گسترش سطح روابط در قالب سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای هماهنگی و ارتقای سطح کمی و کیفی روابط؛ (مانند جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، اوپک، اکو)
۴. تسری دادن مسیرهای انتقال لوله‌های نفت و گاز به کل خاورمیانه تا امنیت کل خاورمیانه حفظ شود و صرفاً امنیت چند کشور در منطقه برای نظام سلطه با اهمیت نباشد و از این طریق بتوانند امتیازات بیشتری را از نظام سلطه در تعاملات جدیدشان کسب کنند.

منابع و مأخذ

۱. اطاعت، جواد، ۱۳۸۸، «نفت، ژئوپلیتیک و امنیت ایران»، *روزنامه بهار*، دوره جدید شماره ۵۲، ۱۷ اسفند.
۲. حاجی یوسفی، محمد، ۱۳۸۳، *ایران و خاورمیانه*، تهران، چاپ عصر گفتمان، چ اول.
۳. حسن تبار موزیرجی، علی، ۱۳۸۸، *پیامدهای تحریم اقتصادی آمریکا بر روی توسعه صنعت نفت ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی چالوس.
۴. خرم فرهادی، یوسف، ۱۳۹۱، *مجموعه موافقت‌نامه‌های دو جانبه حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین ایران*

- ۱۷۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۱۰، تابستان ۹۲، ش ۳۳
- و سایر کشورها، چالوس، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چالوس، چ دوم.
۵. روزنامه ابرار اقتصادی، شماره ۲۹۶۳، ۵ تیر ۱۳۹۱.
 ۶. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۵۳۵۰، ۱۲ تیر ۱۳۹۱
 ۷. روزنامه ایران، شماره ۵۱۱۰، ۵ تیر ۱۳۹۱.
 ۸. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۶۶۸، ۳ خرداد ۱۳۹۱.
 ۹. روزنامه شرق، شماره ۱۴۴۸، ۵ بهمن ۱۳۹۰.
 ۱۰. روزنامه شرق، شماره ۱۵۵۴، ۲۷ خرداد ۱۳۹۱.
 ۱۱. زمانی، علی، ۱۳۸۷، «سرمایه گذاری در نفت و گاز و درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی»، روزنامه رسالت، ۸۷/۱۲/۲
 ۱۲. شادلو، حسین، ۱۳۸۵، تاریخچه نفت، جلد اول، دانشگاه مازندران، تیراژه، چ اول.
 ۱۳. شیروی، عبدالحسین، ۱۳۹۰، حقوق تجارت بین الملل، تهران، سمت، چ سوم.
 ۱۴. علیخانی، حسین، ۱۳۸۴، تحریم ایران شکست یک سیاست، ترجمه محمد متقی نژاد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چ دوم.
 ۱۵. کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات.
 ۱۶. مبصر، داریوش، ۱۳۸۱، چالش های توسعه در صنعت نفت ایران، تهران، انتشارات موج دوم، چ اول
 ۱۷. منشور سازمان ملل متحد.
 ۱۸. موسی زاده، رضا، ۱۳۸۸، سازمان های بین المللی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چ چهاردهم.
 ۱۹. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶.
 ۲۰. www.bpenergy.com، ۲۲ بهمن ۱۳۹۰.
 ۲۱. www.tabnaknews.com، ۸ فروردین ۱۳۹۱.
 ۲۲. www.esnips.com، ۲۰ فروردین ۱۳۹۰.
 ۲۳. www.opec.com، ۱۲ مرداد ۱۳۹۱.